

تبیین رابطه گرایش‌های مکانی و طایفه‌ای در انتخابات مجلس شورای اسلامی (مطالعه موردی: یازدهمین دوره حوزه انتخابیه گچساران و باشت)

یوسف انصاری (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران)

ansariyousef96@gmail.com

حجت مهکویی (گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران، نویسنده مسئول)

hojat_m_59@yahoo.com

علی شمس‌الدینی (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران)

ali.shamsoddini@yahoo.com

سیروس احمدی نوحدانی (استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

sahmadi@modares.ac.ir

چکیده

جغرافیای انتخابات رویکردی نوین به مقوله انتخابات دارد و در آن ابعاد فضایی و مکانی انتخابات بررسی می‌شود. یکی از عوامل مؤثر بر الگوی رفتار سیاسی مردم در انتخابات، پدیده همسایگی و گرایش‌های زادگاهی و طایفه‌ای است. تحلیل فضایی و مکانی پایگاه رأی نامزدهای انتخاباتی در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد که الگوی رأی ساکنان و رأی‌دهندگان در حوزه انتخابیه گچساران و باشت بیش از آنکه تابع سطح کلان و همسو با طیف سیاسی اصولگرا و اصلاح‌طلب باشد، این هویت‌های مکانی و گنش همسان ساکنان فضا و گروه‌های اجتماعی سنتی نظیر ایلات و طوایف است که نقش ناستردنی در خاستگاه رأی ساکنان دارد و به همین مناسبت، کنش سیاسی افراد و جوامع، تابعی از ادراک محیطی و برداشتی است که از منافع خود دارند. از این رو، این پرسش مطرح می‌شود که چه رابطه‌ای بین گرایش‌های زادگاهی و طایفه‌ای و انتخابات در حوزه انتخابیه گچساران و باشت وجود دارد؟ فرضیه تحقیق به این پرسش این‌گونه پاسخ می‌دهد که به نظر می‌رسد بین دو متغیر گرایش‌های زادگاهی و طایفه‌ای و انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه گچساران و باشت رابطه معناداری وجود دارد. روش تحقیق پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات اسنادی و میدانی است. بر بنیاد یافته‌های پژوهش، این نتیجه حاصل

می‌شود که متغیر همسایگی و گرایش‌های زادگاهی و طایفه‌ای، مهم‌ترین و نیرومندترین عوامل مؤثر بر الگوی رأی‌نامزدهای انتخابیه حوزه انتخابیه گچساران و باشت به شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: جغرافیای انتخابات، هویت مکان، گرایش‌های زادگاهی و طایفه‌ای، حوزه انتخابیه گچساران و باشت

۱ مقدمه

جغرافیای انتخابات رویکردی جغرافیایی به مقوله دموکراسی و انتخابات دارد و به مطالعه و بررسی اثرگذاری عوامل فضایی و محیطی در رفتار سیاسی می‌پردازد (Hafezniya & Kaviyanirad, 2014: 263). یکی از عوامل مؤثر بر الگوی رفتار سیاسی مردم در انتخابات، پدیده همسایگی و مجاورت جغرافیایی کاندیدای مورد نظر با مردم یک منطقه و به عبارت دقیق‌تر، مزیت محلی و بومی بودن کاندید است (Kaviyanirad, 2007: 36). بخش عمده‌ای از ماهیت پایگاه رأی‌آوری داوطلبان انتخابات تابع هویت‌های مکانی و طایفه‌ای است، میزان شدت این عامل بستگی به موقعیت و شرایط حوزه انتخابیه و مقیاس انتخابات دارد، به نحوی که در آن دست حوزه‌های انتخابیه‌ای که جزء مناطق پیرامونی کشور و شامل حوزه‌های انتخابیه شهرستان‌های کم‌جمعیت و کوچک هستند و مقیاس انتخابات خردتر است مانند انتخابات مجلس و شوراهای اسلامی، این عامل محیطی شدت عمل بیشتری دارد. پدیده محلی‌محوری و طایفه‌محوری، پیامد عوامل و زمینه‌های جغرافیایی را در رفتار رأی‌دهندگان بررسی می‌کند و بر این گمان است که ساکنان یک محدوده سکونتگاهی، عموماً، همانند یکدیگر بر اساس ویژگی و شناسه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی‌شان، به فرد و یا جریانی که با آنان احساس همانندی می‌نمایند، رأی می‌دهند (Kaviyanirad & Vysi, 2008). در این میان، حوزه انتخابیه گچساران و باشت از آن دست حوزه‌های است که با توجه به بافت اجتماعی ایلی و عشیره‌ای حاکم بر آن، انتخابات در این حوزه متأثر از گرایش‌های محلی و مکانی است. این مسأله باعث شده تا پایگاه رأی‌بازیگران انتخاباتی در این حوزه انتخابیه، نگرشی محلی و تابع هویت زادگاهی و محلی باشد. از این رو، پژوهش حاضر درصدد است تا

پایگاه رأی نامزدهای انتخاباتی را در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه گچساران و باشت مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

۲ نوآوری و روش تحقیق

بررسی و کنکاش پیشینه موضوع حکایتگر آن است که تاکنون راجع به انتخابات در حوزه انتخابیه گچساران و باشت نوشتاری علمی و مدون صورت نگرفته است و این مقاله در واقع، نخستین تحقیق علمی و پژوهشی درباره حوزه انتخابیه گچساران و باشت است. همچنین آنچه به نوآوری‌های این مقاله می‌افزاید، نظرگاه فضایی و مکانی به انتخابات است که در جای خود قابل توجه است؛ بنابراین، تحلیل فضایی و مکانی دقیق دور یازدهم انتخابات به همراه تحولات و رویدادهای حاکم بر حوزه انتخابیه و تبیین نظری متغیرهای اصلی تحقیق (حس و تعلق مکان، هویت مکان، زادگاه‌گرایی، طایفه‌محوری و ...) از بدعت‌های این مقاله به شمار می‌روند. هدف مقاله حاضر، تحلیل فضایی توزیع آراء یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه گچساران و باشت است. در بیان فرضیه تحقیق به نظر می‌رسد آراء در فضاهایی توزیع و متمرکز شده است که آن مکان و فضا متناسب به زادگاه و قلمرو طایفه‌ای نامزدهای انتخاباتی را شکل می‌دهد. از این رو، پایگاه رأی بازیگران انتخاباتی در حوزه انتخابیه گچساران و باشت تحت الشعاع مزیت بومی و گرایش‌های محلی و طایفه‌ای است. روش تحقیق مقاله حاضر، ماهیتی توصیفی-تحلیلی دارد. همچنین روش گردآوری اطلاعات مبتنی بر اسنادی (کتابخانه‌ای، مقاله، آمارنامه، نقشه) و میدانی (مشاهدات و مصاحبه) است.

۳ چارچوب نظری تحقیق

۳-۱ حس و تعلق مکان

یکی از معانی و مفاهیم مرتبط با انسان و محیط، حس و تعلق مکانی است (Javanforuzandeh & Motalebi, 2011: 27). «حس مکان»^۱ نوعی ابراز وجود و احساس تشخص در قالب مفاهیم محیطی است. در جغرافیا اثرپذیری رأی‌دهندگان از وضعیت محلی ارتباط نزدیکی با حس مکان دارد (kaviyanirad, 2013: 64). حس مکان، عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌-

^۱. Sense of place

گردد (Sarmast & Motevasli, 2010: 133). در واقع، حس مکان^۱، احساس وابستگی نسبت به مکانی است که در آن زندگی می‌کند (Badiei, 2008: 164). حس مکان بیشتر ماهیتی پنداری دارد تا اینکه ساختی مشخص و ناظر بر مناسبات پیچیده انسان-محیط داشته باشد (kaviyanirad, 2013: 64). از مهم‌ترین اثرات مکان بر افراد، تعلق مکانی^۲ است که با حس مکان پیوند نزدیکی دارد. تعلق مکانی از لحاظ فرهنگی، منعکس‌کننده مؤلفه‌های اصلی حیات اجتماعی و فرهنگی است.

علی‌رغم تنوع زیاد مقیاس مکان‌هایی که ممکن است مردم احساس تعلق بیشتری نسبت به آنها داشته باشند، بیشترین مطالعات صورت گرفته در این زمینه، مربوط به مقیاس «واحد همسایگی» است (Sarmast & Motevasli, 2010: 133). دل‌بستگی به مکان رابطه عاطفی فرد با مکان است که ریشه در خصوصیات و تجارب گذشته فرد دارد و بر اساس تعامل شناختی، عاطفی و عملکردی بین افراد، گروه‌ها و مکان کالبدی-اجتماعی در طی زمان شکل می‌گیرد (Sadeghi-Fereshteh & et al, 2012: 254). تعلق مکان که بر پایه حس مکان پدید می‌آید، امری فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان است. این حس به پیوند فرد با مکان می‌انجامد و در آن انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و بر اساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها و عملکردها نقشی برای مکان در ذهن خود متصور می‌شود و مکان برای او قابل احترام خواهد بود (Hafezniya & Kaviyanirad, 2014: 210). از منظر جغرافیای سیاسی، مشارکت به‌عنوان کنشی هدفمند و آگاهانه برآیند حس و تعلق مکانی فرد و اجتماع نسبت به مکان یا فضایی است که در آن زیست می‌کند و افراد هویت مکانی خود را بر اساس همین حس و تعلق مکانی تعریف و عملیاتی می‌کنند (kaviyanirad & Ghrehbygi, 2017: 148).

۲-۳ هویت مکان

«هویت»^۳، ویژگی‌هایی است که فرد برای خود برمی‌گزیند و خود را با آن می‌شناسد. به دیگر سخن، پاسخی است به سؤال «من کیستم؟». هویت، تشخیص و آگاهی از خود در قبال دیگری است و موجب شناسایی و تمایز فرد از دیگری می‌شود (Mirsardo & et al, 2008:)

^۱. Sense of place

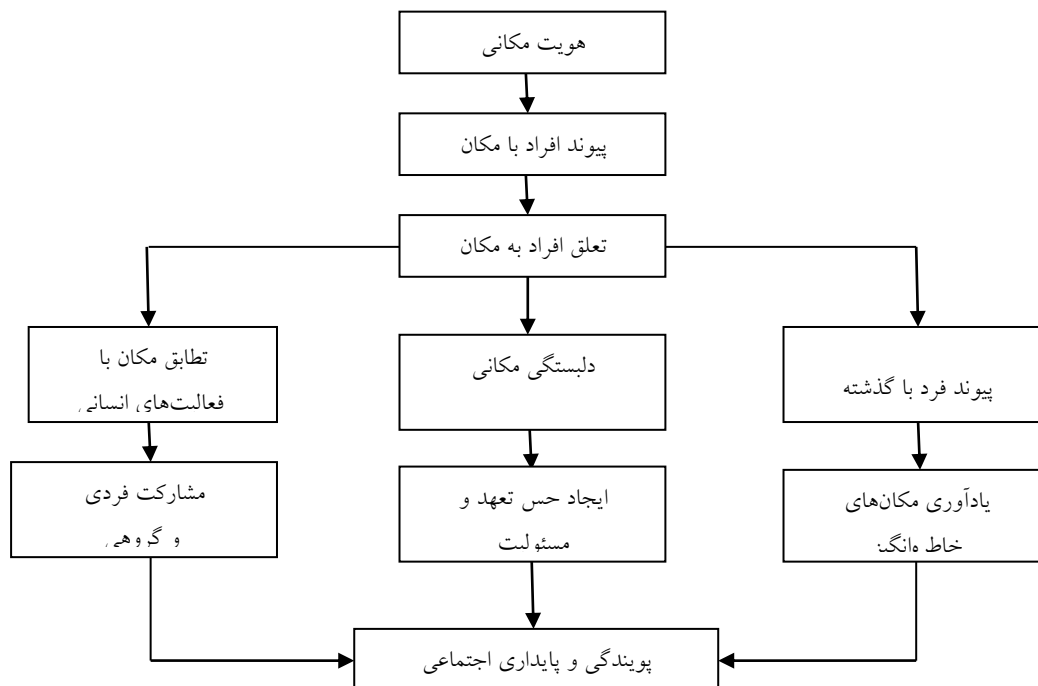
^۲. Spatial dependence

^۳. Identity

81). هویت را می‌توان به معنایی که انسان‌ها از طریق احساسات ذهنی از وجود هر روزه خود و ارتباطات گسترده اجتماعی کسب می‌کنند، تعریف نمود. این وجود و ارتباطات نیازمند مکانی برای شکل‌گیری است (Taban & et al, 2012: 79). جا یا مکان^۱ کلیدی‌ترین مفهوم علم جغرافیا و هویت، تجلی فرهنگ در مکان است (Kaviyanirad & Azizi-Kaveh, 2012: 152). هویت ابعاد و سویه‌های گوناگون و متکثری دارد و آن بُعد از این مقوله که مرتبط با جغرافیای انتخابات است، «هویت مکانی»^۲ است. هویت مکان از ارزش‌های فردی و جمعی نشأت می‌گیرد و با گذر زمان عمق، گسترش و تغییر می‌یابد (Aminzad, 2010: 5). این هویت، بازتابی از تجربه مستقیم محیط کالبدی و معنایی کسانی است که طی تاریخ زیست اجتماع به منش آنها جهت داده و زمینه حس تعلق و زیست ماندگار آنها را فراهم کرده است. تعهد و مسئولیت برخاسته از هویت مکانی، زمینه پویندگی و پایداری اجتماع را فراهم می‌کند (Hafezniya & Kaviyanirad, 2014: 210). به بیان گویاتر، هویت مکانی، احساسی در یک فرد یا جمع است که به‌واسطه ارتباط با یک مکانی برانگیخته و زمینه را برای تکوین محلی‌محوری و دفاع از محدوده زیستی و سکونتگاهی فراهم می‌کند. درواقع، هویت مکانی، بنیاد خلق پدیده همسایگی و گرایش‌های زادگاهی و طایفه‌ای است.

¹. Place

². Place identity



مدل شماره (۱): تأثیر هویت مکانی بر پویندگی و پایداری اجتماعی

منبع: (Ibid)

۳-۳ جستار همسایگی و گرایش‌های زادگاهی و طایفه‌ای

تأثیر «همسایگی»^۱ از نمونه مفاهیمی است که با واژگانی همچون ارزش، تصمیم، رفتار، کنش، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری مکان، محیط، زادگاه، مناسبات اجتماعی، گروه اجتماعی، حس مکان، خویشاوندگرایی، طایفه‌محوری در ارتباط است که عموماً ناظر بر مؤلفه‌های مؤثر در رأی‌گیری و رأی‌دهی جغرافیای انتخابات است (Kaviyanirad, 2013: 72). اثر همسایگی یکی از متغیرهای محیطی است که تمایل فرد به رأی‌دادن در یک جهت خاص بر اساس پیامدهای روابط فردی که در همسایگی زندگی می‌کنند را توضیح می‌دهد. این نوع الگوی رأی‌دهی، یکی از پرکاربردترین الگوهای رأی است که به بررسی تأثیر «دوستان و همسایگان» در الگوی آراء می‌انجامد و نشان می‌دهد تمایل مردم به رأی‌دادن به نامزدهای محلی بیشتر

^۱. Neighborhood effect

است (Kaviyanirad & Ghrehbygi, 2017: 154). فرایندهای متعددی در الگوی تأثیر همسایگی نقش دارند که از آن جمله می‌توان گرایش‌های زادگاهی و طایفه‌ای اشاره کرد. مبحث زادگاه‌گرایی و گرایش‌های محلی و طایفه‌ای ناظر بر اثرگذاری عناصر مکانی و جغرافیایی در پسندها و مطلوب‌های مؤثر در رفتار رأی‌دهندگان ساکن محدوده‌های خاص (پایگاه حمایتی) زادشهری است. بر بنیاد جستار تأثیر گرایش‌های طایفه‌ای، غمده افراد همانند هم عمل می‌کنند به این مفهوم که حتی اگر شرایط اجتماعی-اقتصادی‌شان در پیوند با جای دیگر باشد، به هنگام رأی‌دادن، مشابه هم‌زادگاهی‌شان یا هم‌طایفه‌شان رأی می‌دهند (Kaviyanirad & Veysi, 2008: 3).

۳-۴ انتخابات

«انتخابات»^۱ از ارکان مهم شکل‌گیری ساختار سیاسی در نظام‌های دموکراتیک به شمار می‌رود (Esmaili & Movahdian, 2009: 175). انتخابات، شیوه دموکراتیک‌گزینش نهادهای نمایندگی مردم و بنیاد مشروعیت ساختارهای مردم‌سالار به شمار می‌رود (Kaviyanirad, 2013: 29). انتخابات در دموکراسی‌های امروز در حقیقت مهم‌ترین وسیله انعکاس افکار عمومی و خواست‌ها و ترجیحات مردم است (Bashiriyh, 2002: 169). انتخابات از یک‌سو، پایه‌های اجتماعی قدرت سیاسی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، ملاک خوبی برای ارزیابی توزیع قدرت در جامعه است (Eyvazi, 2006: 33). تبیین تئوری انتخابات با دو شیوه دموکراسی مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌گیرد. در دموکراسی مستقیم یا مشارکتی، تصمیمات به‌طور جمعی به‌وسیله افراد ذی‌ربط گرفته می‌شود. ولی در دموکراسی غیرمستقیم یا نمایندگی، مردم به‌طور غیر مستقیم به‌واسطه نمایندگان مورد اعتماد خود بر اداره دولت نظارت دارند. در دموکراسی‌های نمایندگی، احزاب نقش حیاتی دارند؛ زیرا اراده مردم را ساماندهی و به‌صورت مجرای ارتباطی عمل می‌کنند (Alam, 2011: 300). انتخابات علنی، آزاد و عادلانه جوهر دموکراسی است. انتخابات رکن اساسی مردم‌سالاری است و تعیین اکثریت و اقلیت، تنها از همین طریق امکان‌پذیر می‌شود. انتخابات در نظام‌های دموکراتیک به ایفای سه نقش اساسی می‌پردازد: ابتدا نقش انتخابات در سطح ملی تعیین حکومتگران است،

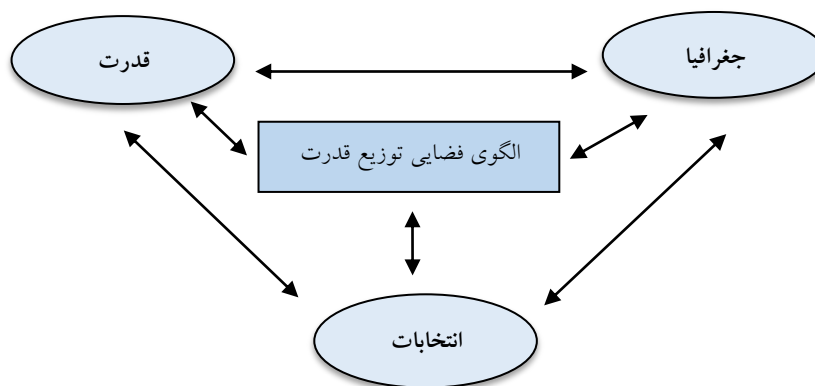
^۱. Election

دوم تعیین سیاست کلی کشور و گرایش‌های سیاسی است و سرانجام اعطای مشروعیت به قدرت‌های عمومی یعنی حکومت یا سلب آن (Hafezniya & Kaviyanirad, 2009: 219). انتخابات یکی از رویکردهای مطرح در جغرافیای سیاسی است که تحت عنوان «جغرافیای انتخابات» شناخته می‌شود.

۳-۵ جغرافیای انتخابات

«جغرافیای انتخابات»^۱ از مباحث نو علم جغرافیا در ایران است که با شناخت دقیق‌تر نواحی انتخاباتی به بررسی عوامل مختلف مؤثر در نتایج انتخابات از جمله عوامل مؤثر بر رفتار رأی‌دهندگان می‌پردازد. این عوامل در زمان‌ها و مکان‌های مختلف تأثیر متفاوتی بر نتایج انتخابات باقی می‌گذارد (Baii-Lashki & pishgahifard, 2009: 93). طی چند دهه اخیر، جغرافیای انتخابات کندوکاو گسترده‌ای در قلمرو دموکراسی، مشارکت، خاستگاه آراء، وزن مکانی حوزه‌های انتخاباتی، نقش مکان‌ها و ... داشته است. جغرافیای انتخابات یکی از شاخه‌های جغرافیای سیاسی است که بر محدوده‌های جغرافیایی به‌عنوان بستری برای انتخاب نمایندگان در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی متمرکز شده است (Hafezniya & Kaviyanirad, 2014: 263). در واقع، جغرافیای انتخابات، به تحلیل کنش متقابل فضا، مکان و فرایند انتخاباتی (pattie, 2006: 2) و مطالعه اثرگذاری تفاوت‌های فضایی در رفتار سیاسی می‌پردازد (Estes, 2005: 78). روی هم رفته می‌توان گفت، جغرافیای انتخابات گرایشی از جغرافیای سیاسی است که به مطالعه الگوی توزیع فضایی قدرت در قالب روابط متقابل جغرافیا، انتخابات و قدرت می‌پردازد (Kaviyanirad, 2012: 36).

^۱. Electoral Geography



مدل شماره ۲: مدل مفهومی جغرافیای انتخابات - منبع: Ibid

در این الگو، فضا نمود عینی فرایند دگرگونی‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی طی زمان در بستر مکان است که عناصر و مناسبات قدرت را آشکار می‌کند. قدرت به‌عنوان محرک و تغییردهنده با ابزار سرمایه، رسانه و ایدئولوژی، خالق این دگرگونی‌هاست. دارندگان و خواهندگان قدرت برای حفظ وضعیت موجود یا تغییر آن بر اساس علایق و مصالح واحدها (فرد، گروه، سازمان، کشور و ...)، فرایندهای فضایی یا همان سازوکار مؤثر در توزیع فضایی پدیده‌ها را معنا و جهت می‌دهند. انتخابات به‌عنوان سازوکار تغییر و تداوم نظام سیاسی ناظر بر کُش و واکنش واحدها برای اختیار گرفتن ابزارهای قدرت به شیوه دموکراتیک است که هدف آن ساماندهی فرایندها و روندهای فضا ساز است. از آنجاکه درون‌مایه‌های فضا، ذاتاً، قدرت می‌آفریند، تلاش برای در اختیار گرفتن فضا در فرایند انتخابات، مقصود قدرت است که جغرافیای انتخابات به مطالعه آن می‌پردازد (Ibid, 40).

۴ محیط‌شناسی پژوهش

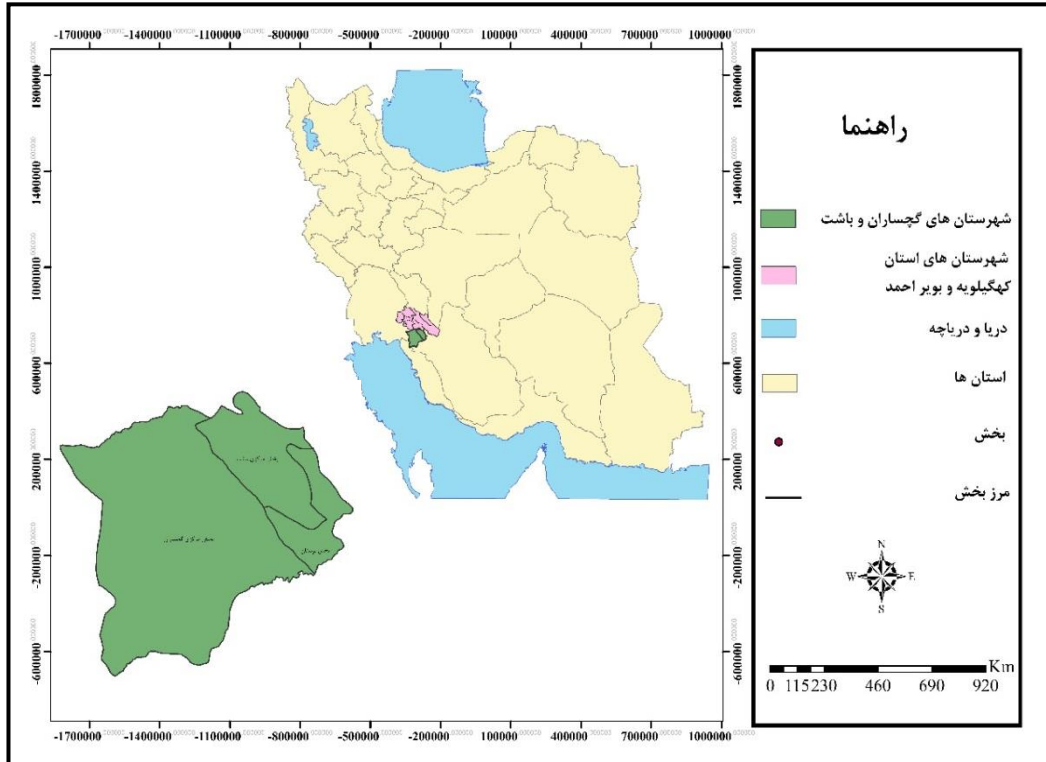
منطقه گچساران تا قبل از سال ۱۳۴۲ قسمتی از استان خوزستان بود که در سال ۱۳۴۲ طبق مصوبه مجلس شورای ملی وقت از استان خوزستان جدا و به همراه بخش منفک‌شده از استان فارس (بویراحمد) به‌عنوان فرمانداری کل به مرکزیت یاسوج انتخاب و در سال ۱۳۵۵ نیز از فرمانداری کل کهگیلویه و بویراحمد به استان کهگیلویه و بویر احمد تبدیل گردید (Governorship Gachsaran, 2019). بخش گچساران در سال ۱۳۵۲ از شهرستان

کهگیلویه جدا و به شهرستان ارتقا یافت (Ghafari, 2015: 7). این شهرستان در ابتدا از دو بخش مرکزی و باشت تشکیل شده بود که بعدها بخش باشت در سال ۱۳۸۹ به شهرستانی مستقل منفک شد و ارتقا یافت (Governorship Gachsaran, 2019).

گچساران و باشت از جمله شهرستان‌های جنوبی استان کهگیلویه و بویراحمد محسوب می‌شود که بر طبق سرشماری سال (۱۳۹۵)، ۱۴۵۷۸۶ نفر جمعیت (جدول شماره ۱) و ۴۱۸۶ کیلومترمربع وسعت دارد و از شمال به شهرستان‌های چرام و کهگیلویه، از جنوب به شهرستان گناوه، از شرق به شهرستان رستم و از غرب به شهرستان بهبهان در استان خوزستان محدود می‌شود (نقشه شماره ۱) (Governorship Gachsaran, 2019). شهرستان گچساران با مرکزیت شهر دوگنبدان^۱ از یک بخش مرکزی (۱۲۳۳۷۰ نفر جمعیت) و چهار دهستان امامزاده جعفر، لیستر، بی‌بی حکیمه و بویراحمد گرمسیری تشکیل شده و یکی از گرم‌ترین مناطق استان و در اصل منطقه‌ای صنعتی و نفتی است با موقعیتی ترانزیتی و راهبردی؛ درواقع شاهراه استان خوزستان به استان فارس است (Musavi-Nephadsogh, 2007: 38).

شهرستان باشت از دو بخش مرکزی و بوستان تشکیل شده است. بخش مرکزی شامل دهستان‌های سرآببیز و کوهمره خامی و بخش بوستان شامل دهستان‌های بابویی و چاه تلخاب است (Hosyni, 2015: 11). بخش مرکزی و بوستان شهرستان باشت به ترتیب ۱۵۶۶۷ و ۵۹۴۱ نفر جمعیت دارد (General Census of Population and Housing, 2015). هر دو شهرستان یک حوزه انتخابیه دارند که حوزه انتخابیه اصلی، شهرستان گچساران است و حوزه فرعی، شامل شهرستان باشت است. این دو شهرستان، عمدتاً، شامل دو گروه زبانی «لری» و «ترکی قشقایی» است.

^۱ طبق سرشماری سال ۱۳۹۵، شهر دوگنبدان ۹۶۷۲۸ نفر جمعیت دارد.



نقشه شماره ۱: موقعیت جغرافیایی شهرستان‌های گجساران و باشت

(Drawing by the Authors)

جدول شماره ۱: جمعیت شهرستان‌های گجساران و باشت طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن

سال ۱۳۹۵

ردیف	نام شهرستان	جمعیت	جمعیت شهری	جمعیت روستایی	جمعیت غیر ساکن
۱	گجساران	۱۲۴۰۹۶	۹۶۷۲۸	۲۶۶۴۲	۷۲۶
۲	باشت	۲۱۶۹۰	۱۰۷۶۴	۱۰۸۴۴	۸۲
۳	جمعیت کل	۱۴۵۷۸۶	۱۰۷۴۹۲	۳۷۴۸۶	۸۰۸

(Drawing by the Authors)

شهرستان‌های گجساران و باشت از ساخت ایلی و عشیره‌ای برخوردار هستند و دارای پیوستگی‌های فرهنگی و درهم‌تنیدگی قومی و طایفه‌ای می‌باشند. ایلات و طوایفِ باوی، بویراحمدی، قشقایی من‌جمله واحدهای اجتماعی سنتی واقع در این دو شهرستان هستند.

بخش مرکزی شهرستان گچساران، شامل دو گروه قومی لُرزبان و تُرک‌زبان است که در این بین، لرتباران در اکثریت و ترک‌تباران در اقلیت‌اند. طوایف منسوب به قوم لُرزبان ساکن در این بخش که منتسب به دو گروه ایلی «باوی» و «بویراحمد گرمسیری» هستند شامل دولتیاری، میرسیدی‌ها، سادات شازینعلی، بابامیرشیخی، گشین، سید زاداحمدی، دیلی‌ها، آروی‌ها، مارینی‌ها، بابکانی‌ها و سید جمال‌الدینی‌ها هستند و طوایف منتسب به ترک‌زبان ساکن در این بخش شامل دره‌شوری، کشکولی کوچک و بزرگ، فارسی‌مدان و شش‌بلوکی می‌باشند. بخش مرکزی و بوستان شهرستان باشت شامل ایلات و طوایف لرتبار باوی هستند. هرکدام از این گروه‌های طایفه‌ای از عناصر و زیرمجموعه‌های سنتی خاص خود برخوردار هستند که همواره در هنگامه‌های سیاسی نظیر انتخابات به رقابت با یکدیگر می‌پردازند. در این بین، در درجه نخست قوم و طوایف لُر از آنجاکه از جمعیت بیشتری نسبت به قوم و طوایف تُرک برخوردار است، توانسته‌اند عمدتاً پیروز میدان ادوار انتخابات شوند. همچنین به حیث مقیاس ایلی و طایفه‌ای در بین طوایف لُرزبان، ایل و طایفه «باشت باوی» توانسته است در عرصه سیاسی پیروز میدان انتخابات شود. گاه در حوزه انتخابیه گچساران و باشت رقابت‌های انتخاباتی آن‌قدر شدید و توأم با تعصبات محیطی و خویشاوندی همراه می‌شود که منتج به خشونت و کدورت‌های ایلی و طایفه‌ای می‌شود. دور یازدهم انتخابات مجلس شورای اسلامی شاهد رقابت‌های قومی و طایفه‌ای در این دو شهرستان بودیم و ایل و طایفه بزرگ باوی از آنجاکه از بیشترین جمعیت نسبت به دیگر قومیت و طوایف برخوردار بود توانست نامزدی از قلمرو فضایی خود را روانه مجلس کند.

۵ یافته‌های پژوهش

۱-۵ بررسی یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی و گرایش‌های زادگاهی و طایفه‌ای یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی روز جمعه ۲ اسفند ۱۳۹۸ با رأی‌گیری در ۵۵ هزار شعبه اخذ رأی در سراسر ایران در ۲۰۸ حوزه انتخابیه برای انتخاب ۲۹۰ نماینده مجلس با مشارکت ۴۲.۵۷ درصدی ایرانیان برگزار شد (ISNA, 2019). موقعیت و شرایط این انتخابات با انتخابات ادوار قبل متفاوت بود. تحریم کشور، کم‌ارزش شدن پول ملی و به دنبال آن کاهش قدرت خرید مردم و به‌طورکلی، وضعیت نامناسب معیشتی و اقتصادی مردم شرایط

را در این دوره متفاوت کرده بود. برآوردها نشان می‌داد این انتخابات به‌طور کلی با کاهش مشارکت مواجه شود. در واقع، همین‌طور هم شد و مجلس یازدهم کمترین میزان مشارکت را به نام خود ثبت کرد. در بین حوزه‌های انتخاباتی کشور، استان تهران با ۲۶/۲ درصد از کمترین مشارکت و استان کهگیلویه و بویراحمد با ۷۱ درصد بیشترین مشارکت را در این دوره داشتند. به نظر می‌رسد یکی از دلایل اصلی و بنیادی افزایش مشارکت در استان کهگیلویه و بویراحمد وجود بافت ایلی و عشیره‌ای حاکم بر این فضای جغرافیایی است. ایلات و قبیله‌های موجود در این استان و رقابت‌های قومی و طایفه‌ای برآمده از آن بر شدت مشارکت می‌افزود. با این حال، با وجود اینکه استان کهگیلویه و بویراحمد در بین سایر استان‌های کشور از بیشترین میزان مشارکت برخوردار بود ولی این وضعیت در بین حوزه‌های انتخاباتی این استان متفاوت و ناهمگون بود. حوزه انتخابیه گچساران و باشت از جمله حوزه‌های جنوبی این استان است که میزان مشارکت در این حوزه نسبت به دور دهم ۱۰ درصد کاهش داشت (Governorship Gachsaran Archive, 2019).

به نظر می‌رسد این کاهش ریشه در آن بخش از بدنه جامعه داشت که از وضعیت معیشتی و اقتصادی موجود در رنج و به‌نوعی ناخرسند بودند؛ اما با توجه به ساخت ایلی و عشیره‌ای حاکم بر حوزه انتخابیه گچساران و باشت بخش کلانی از مردم این حوزه انتخابیه به دلیل تعصب قومی و روحیات خویشاوندی که داشتند مشتاقانه به پای صندوق‌های رأی رفتند. در ابتدا ۱۸ نفر در حوزه انتخابیه گچساران و باشت در انتخابات ثبت‌نام کردند که در نهایت پنج نفر به نام‌های «غلامرضا تاجگردون»، «سید قدرت‌الله حسینی»، «اردلان زینل‌زاده»، «میلاد گرجی‌زاده» و «هومان عسکری» توانستند از صافی شورای نگهبان عبور کنند و وارد میدان رقابت شوند (جدول شماره ۲) (Governorship Gachsaran Archive, 2019). این پنج نفر از قومیت و طوایف مختلف و دیدگاه‌ها و نظرگاه‌های طیفی و سیاسی متنوعی برخوردار بودند. این تنوع و کثرت، زمینه را برای انتخاباتی پرشور و رقابتی فراهم ساخت. همچنین نوع تبلیغات بازیگران که در انتخابات ادوار قبل عمدتاً رویکردی سنتی و در قالب پلاکارد، پوستر، دیوارنویسی و کاروان‌های تبلیغاتی نمایان بود در این دوره متفاوت و عمدتاً در رسانه‌ها و فضای مجازی صورت می‌گرفت. در قلمرو لرنشین چهارکاندیدا و در قلمرو فضایی ترک‌تبار،

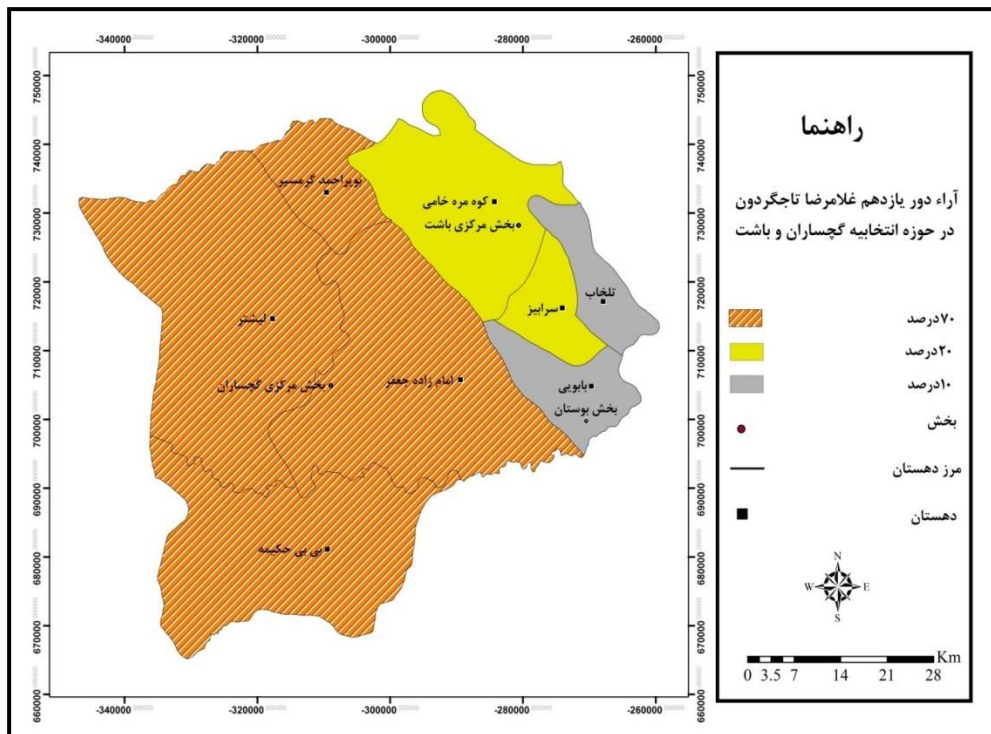
یک کاندید وجود داشت. به دیگر سخن، تقابل‌ها در این دوره، هم قومیتی و هم ایلی و طایفه-ای بود. از قوم لر، چهار نامزد وجود داشت که از همان آغاز نام دو نفر یعنی «غلامرضا تاجگردون» و «سید قدرت‌الله حسینی» زبانزد بود. تاجگردون که روزهای آخر، تأیید صلاحیت شد و حتی به دلیل کلیپ‌های تبلیغاتی‌اش بسیار مورد انتقاد قرار گرفت، بار دیگر شانس حضور در نبرد انتخابات را پیدا کرد. این نامزد که طی ادوار نهم و دهم در عرصه انتخابات حضور داشت و توانسته بود با شکست رقیبان، نماینده حوزه انتخابیه شود در این دوره با شهرت و تجربه سیاسی فزونتری وارد عرصه شد. این بازیگر، نه تنها، در مقیاس داخلی و در بین ساکنان و توده مردم حوزه انتخابیه خود از چهره شناخته شده و شاخصی منتفع بود بلکه به واسطه حضور طی ادوار نهم و دهم مجلس و ریاست بر کمیسیون برنامه و بودجه توانسته بود برای خود در مقیاس کلان و کشوری نام و اسمی مطرح سازد. در واقع تاجگردون بیش از آنکه در سطح داخلی به نام باشد بازیگری معروف در سطح ملی بود. در مقیاس داخلی آنچه باعث محبوبیت و اشتهار تاجگردون شد، عملکرد و دستاوردهایی بود که وی برای حوزه انتخابیه خود و حتی استان فراهم نموده بود. طبق داده‌ها و گزارش‌ها، تاجگردون در حوزه‌های مختلف عمرانی، فرهنگی و اجتماعی راندمان وسیعی داشت. در بخش عمران و کشاورزی به خصوص در بازسازی و احداث جاده‌های شهری و بین‌شهری، نوسازی راه‌های روستایی و عشایری، بازساخت و ترمیم بافت فرسود شهر، احداث زمین‌های چمن مصنوعی و سالن‌های ورزشی، اجرای طرح‌های آبرسانی به اراضی کشاورزی و در بخش بهداشت و درمان به ویژه احداث بیمارستان و درمانگاه و در بخش فرهنگی و اجتماعی ساخت بزرگ‌ترین مجتمع فرهنگی جنوب کشور، ساخت سینما و کتابخانه و فعال شدن گروه‌های هنری همچون شاهنامه‌خوانی و در بخش خدماتی به ویژه گازرسانی، آبرسانی و برق‌رسانی به مناطق جغرافیایی دوردست از نمونه دستاوردهای سترگ تاجگردون در دوران نمایندگی خویش به شمار می‌رفت (Field Findings, 2019).

بنابراین، این کنشگر به واسطه عملکردهای خود توانسته بود بین بخش بزرگی از رأی-دهندگان برای خود عقبه‌ای تشکیل دهد. البته اعتبارنامه تاجگردون در مجلس تأیید نشد و نتوانست به عنوان نماینده مردم در مجلس یازدهم حضور یابد. در بین بازیگران انتخاباتی تنها

نامزدی که قدرت رقابت با تاجگردون را داشت و در تقابل با وی قرار گرفت قدرت‌الله حسینی بود. حسینی نامزدی بود که یک دوره سابقه نمایندگی در کارنامه سیاسی خود را داشت و خدماتی را در راستای توسعه حوزه انتخابیه خود انجام داده بود و از این حیث با روند انتخابات و مجلس آشنا بود. این بازیگر به لحاظ طیف سیاسی و شعار تبلیغاتی، نه تنها، با تاجگردون تشابه و همسویی نداشت، بلکه دقیقاً در مخالف یکدیگر قرار داشتند و یکی نامزد طیف سیاسی اصولگرا و دیگری داوطلب طیف سیاسی اصلاح طلب بود. تبلیغات این دو کنشگر در تقابل با یکدیگر قرار داشت، به نحوی که تاجگردون با شعار تبلیغاتی «هتریک^۱» به معنای سومین بار متوالی ورود به مجلس و حسینی با شعار «کامبک^۲» به معنای برگشتن به دوران نمایندگی خویش که به زعم ایشان همراه با عدالت اجتماعی و رفع تبعیض بود، در رویارویی با یکدیگر قرار گرفتند. با این حال، هرچند این دو کنشگر به لحاظ سیاسی و اندیشه-ای و شعار تبلیغاتی در تقابل با یکدیگر قرار داشتند ولی به حیث جغرافیایی و قومیتی از یک زیست و طایفه مشترک (باشت باوی) برخوردار بودند. به عبارتی، قدرت‌الله حسینی از زادگاه و طایفه‌ای برخاسته بود که تاجگردون هم از همان فضا و مکان برای بازیگری در انتخابات نام‌نویسی کرده بود. در ادامه در پی رقابت بین این بازیگران در قلمرو فضایی و طایفه‌ای خود این تاجگردون بود که توانست بیشترین رأی را (۱۱۶۷۲ رأی) در بین زادگاه و قوم و خویشان خود کسب کند. به عبارتی، در پی رقابت این دو بازیگر در فضاها جغرافیای مشترک (شهرستان باشت) این تاجگردون بود که توانست بخش کلانی از آراء هم‌زادگانی‌ها و هم-طایفه‌ای‌های خود را کسب کند (Ibid).

^۱. Hat trick

^۲. Come Back

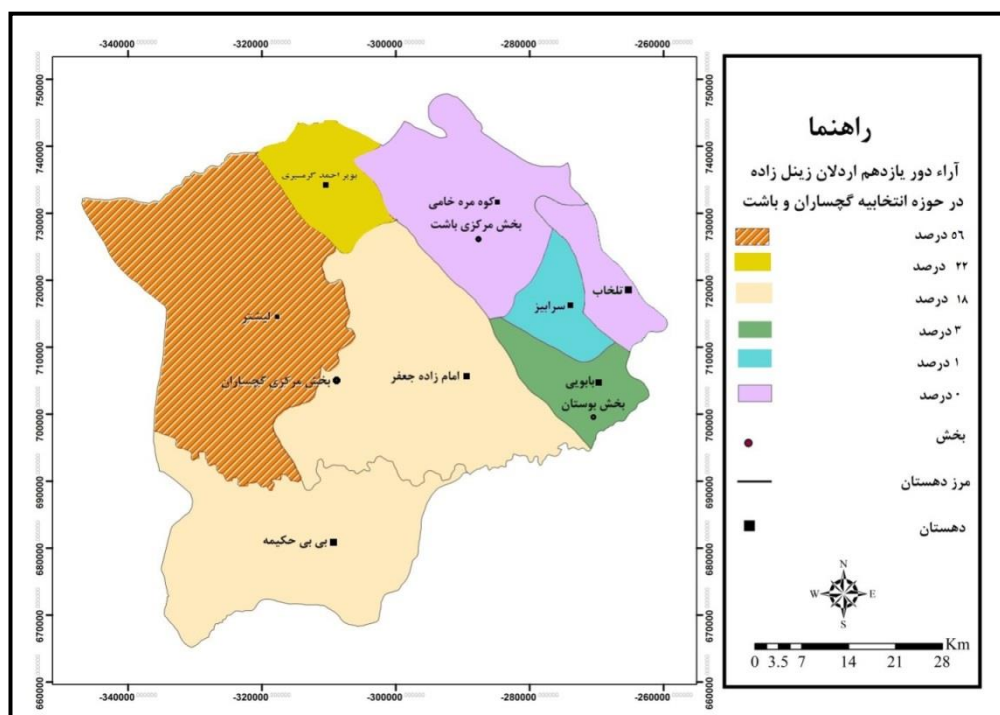


نقشه شماره ۲: تمرکز آراء غلامرضا تاجگردون در دهستان‌های بخش مرکزی گچساران
(غلامرضا تاجگردون متناسب به ایل و طایفه باشت باوی است که عمدتاً در فضاهای جغرافیایی
مرکزی ساکن هستند)

(Drawing by the Authors)

یکی دیگر از بازیگرانی که در صحنه حضور داشت «اردلان زینل‌زاده» بود. زینل‌زاده از دیگر نامزدهای لُر تبار بود که در پی رقابت با دیگر بازیگران شروع به نقش‌آفرینی کرد. این بازیگر، هرچند به‌واسطه مناصبی (شهردار و مدیرکل) که در شهرستان و استان داشت، توانسته بود برای خود آوازه و نفوذ اجتماعی نسبتاً بالایی تحصیل کند ولی آن‌طور که بایسته بود نتوانست پُرفروغ ظاهر شود و عمده آرای خود را در بین هم‌تباران و هم‌محلی‌های خویش یعنی در بخش مرکزی گچساران و به‌ویژه دهستان لیستر کسب کرد. وی در بخش مرکزی و بخش بوستان شهرستان باشت به ترتیب ۱۲۹ و ۱۱۸ رأی اخذ کرده است که در مقایسه با آرای زادگاهی و طایفه‌ای خود (۸۷۳۶ رأی) کم‌وزن است و طبق یافته‌ها و داده‌ها، این آراء به‌واسطه حضور برخی از آشنایان و هم‌تباران خود در این مناطق است. «میلاذ گرجی‌زاده» از

دیگر بازیگران کم‌وزن و ناشناخته این دوره از انتخابات بود. این بازیگر، نه تنها، نتوانست تحرکات گسترده‌ای از خود نشان دهد، بلکه در زادگاه و طایفه خود یعنی بخش مرکزی شهرستان باشت هم رأی پروزنی به دست نیاورد؛ بنابراین روی هم‌رفته، در رقابت بین این چهار کاندیدای هم‌قومیت (کرتبار) و هم‌تبار این تاجگردون بود که عرصه را بر دیگر رقیبان تنگ کرد و بیشترین آرای قومی- طایفه‌ای و زادگاهی را کسب کرد.



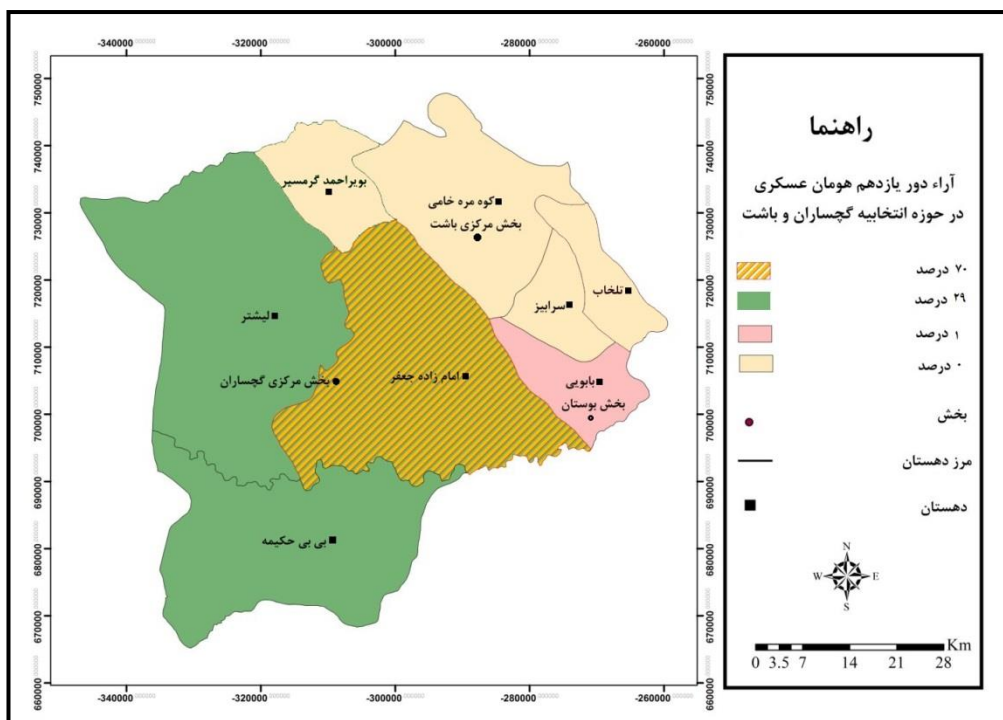
نقشه شماره ۳: تمرکز آراء اردلان زینل‌زاده در دهستان لیشر

(اردلان زینل‌زاده متناسب به ایل و طایفه لیشر است که در قسمت شرقی بخش مرکزی ساکن هستند)

(Drawing by the Authors)

یکی دیگر از بازیگرانی که در صحنه وجود داشت «هومان عسکری» بود. این بازیگر برای اولین بار بود که وارد میدان رقابت انتخاباتی شده بود و چندان بین توده رأی‌دهنده شناخته شده نبود. تبلیغات این بازیگر نوپا، عمدتاً، بر روی اقشار جوان و هم‌زبانان و محورهای اقتصادی نظیر شغل و رفع بیکاری و تورم بود. خاستگاه ایلی و عشیره‌ای این بازیگر متناسب به

قوم ترک و طایفه کشکولی بود. قوم ترک در شهرستان گچساران و باشت نسبت به قوم و طوایف لر در اقلیت هستند و همین مسأله رقابت را برای این بازیگر ترک‌تبار سخت می‌کرد. از طرفی وجود رقبیان قدرتمند لرتبار و به‌ویژه دو رقیب کارکشته و سرسخت یعنی تاجگردون و حسینی، عملاً، توان نقش‌آفرینی گسترده را برای این بازیگر فراهم نمی‌ساخت. از این رو، عسکری عمده رأی خود را در بین فضاهاى جغرافیایی ترک‌نشین یعنی در بخش مرکزی گچساران و به‌ویژه دهستان امامزاده جعفر و بی‌بی حکیمه اخذ کرد و در مکان‌هایی که ترک-تباران ساکن نبودند، عملاً، رأی قابل توجهی کسب نکرد. با این حال در بخش مرکزی و بوستان شهرستان باشت به دلیل وجود شماری عشایر ترک‌نشین توانست به ترتیب ۱۱ و ۴۴ رأی در این مناطق کسب کند.



نقشه شماره ۴: تمرکز آراء هومان عسکری در دهستان ترک‌تبار امامزاده جعفر

(هومان عسکری منتسب به قوم و طایفه ترک قشقایی است که در مرکز بخش مرکزی گچساران ساکن هستند)

(Drawing by the Authors)

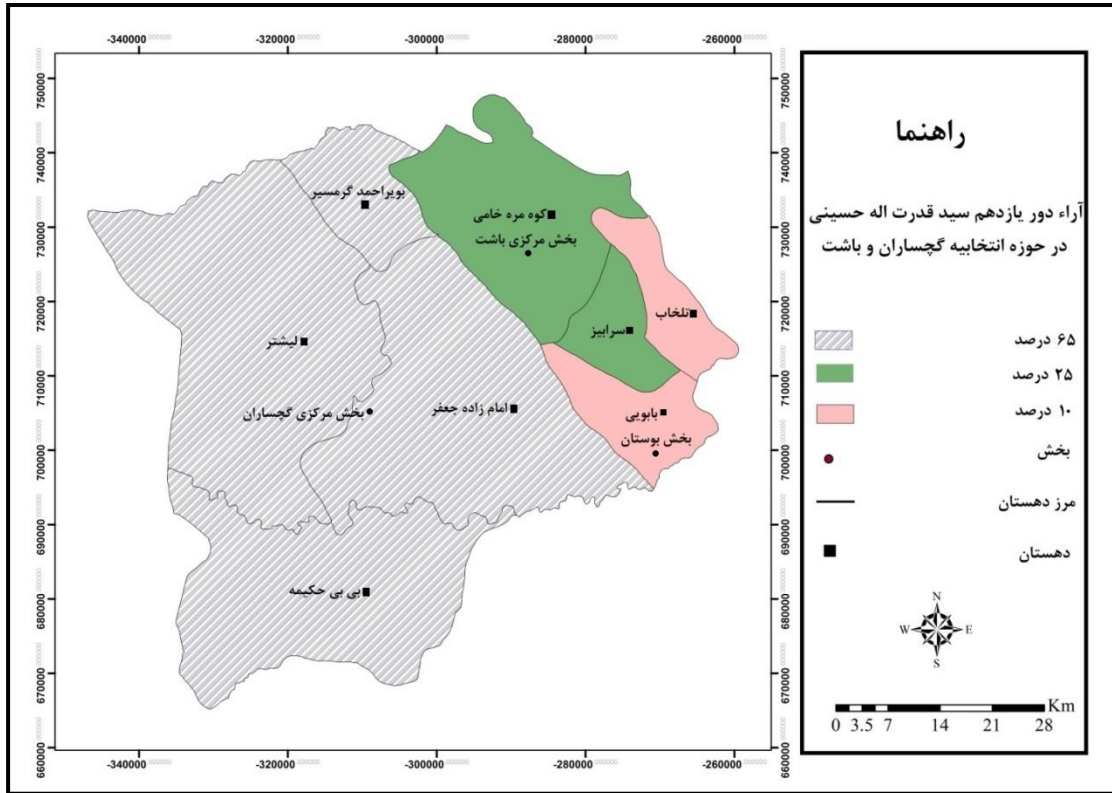
با این رهیافت، تجزیه و تحلیل توزیع فضایی آراء نامزدها در حوزه انتخابیه گچساران و باشت نشان می‌دهد، غلامرضا تاجگردون از مجموع ۷۷۸۹۱ رأی، ۵۱ درصد آراء را کسب کرده است. توزیع فضایی و مکانی آراء در نقشه زیر نشان می‌دهد که تاجگردون، ۲۰ درصد از مجموع آراء خود را در زادگاه خود یعنی شهرستان باشت کسب کرده است. باشت، خاستگاه فضایی و تولد ایل و طایفه باوی‌ها است و با تاجگردون احساس نزدیکی و خونی دارند. همچنین وی، ۷۰ درصد از مجموع آراء خود را در دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان گچساران اخذ کرده است (نقشه شماره ۲)؛ (جدول شماره ۲). این بخش، محل سکونت افراد طوایف دو قومیت ترک و لر هستند. طوایف لر ساکن در این منطقه جغرافیایی، عمدتاً باشتی-های هستند که طی گذر زمان به این بخش مهاجرت کرده‌اند؛ از این رو، با تاجگردون قرابت خویشاوندی و قومیتی دارند و به این بازیگر رأی دادند (Governorship Gachsaran Archive, 2019)؛ بنابراین، این مهم بیانگر آن است که تاجگردون در شهرستان باشت به واسطه اینکه خویشاوندان و زادگاه وی بوده است و در شهرستان گچساران به دلیل اینکه هم‌طایفه‌ای ایشان در آنجا ساکن بودند توانسته است رأی عظیمی را کسب کند. هرچند پایگاه رأی تاجگردون صرفاً در حیطه همسایگی و قومی و محلی نبوده است بلکه وی در بین دیگر اقوام و به‌طور مشخص قوم ترک و حتی افراد غیربومی ساکن در حوزه انتخابیه، رأی پروزنی را کسب کرده است. برای مثال در روستاهایی نظیر تلخاب شیرین، کلاغ‌نشین و عشایر پاکوه، عشایر آبگندی، بی‌بی جان آباد و مکین آباد، بی‌بی حکیمه و عشایر اطراف که عمدتاً ترک‌تبار و ساکنین قوم ترک در آنجا بیشترین جمعیت را دارند، وی به ترتیب ۳۱۸، ۴۷۳، ۱۷۷، ۱۰۷ و ۱۶۸ رأی کسب کرده است، به‌طوری‌که وی از کاندیدای ترک‌زبان متعلق به آن منطقه یعنی هومان عسکری رأی بیشتری آورده است (Governorship Gachsaran Archive, 2019).

سید قدرت‌الله حسینی از مجموع ۷۷۸۹۱ رأی، ۲۸ درصد را کسب کرده است. توزیع فضایی و مکانی آراء در نقشه زیر نشان می‌دهد که حسینی، ۲۵ درصد از مجموع آراء خود را در زادگاه خود یعنی شهرستان باشت کسب کرده است. همچنین وی، ۶۵ درصد از مجموع آراء خود را در دهستان‌های شهرستان گچساران که محل سکونت افراد هم‌قومیت وی است کسب کرده است (نقشه شماره ۵). این مسأله مبین آن است که حسینی در قلب یاران

همسایگی و هم‌طایفه‌ای خود قرار داشته است (Ibid). بر مبنای گزارش‌های آماری فرمانداری گچساران، اردلان زینلزاده از مجموع ۷۷۸۹۱ رأی، ۱۱ درصد را کسب کرده است. توزیع فضایی و مکانی آراء در نقشه شماره (۳) نشان می‌دهد که زینلزاده، ۵۶ درصد از مجموع آراء دهستانی خود را (۳۸۶۵ رأی) در زادگاه خود یعنی دهستان لیشر که متعلق به بخش مرکزی شهرستان گچساران است، کسب کرده است (Ibid). این مسأله، گویای آن است که افرادی که قرین و مجاور هم هستند و در کنار هم زندگی می‌کنند تمایل دارند که همانند یکدیگر رأی بدهند. هومان عسکری از مجموع ۷۷۸۹۱ رأی، ۱۰ درصد را کسب کرده است. توزیع فضایی و مکانی آراء در نقشه زیر نشان می‌دهد که عسکری، ۷۰ درصد از مجموع آراء دهستانی خود را (۲۷۰۹ رأی) در فضاهای تُرک‌نشین و تُرک‌زبان که به‌طور مشخص ساکن دهستان امام‌زاده جعفر هستند، کسب کرده است و در بین فضاهای جغرافیایی لُرنشین چندان نفوذ نداشته است (نقشه شماره ۴). برای مثال این کنشگر انتخاباتی در روستاهایی همچون باباکلان، عشایر زیرمجموعه باباکلان، آب شیرین، بیدزرد و سریشه که سرچشمه و منشأ قوم ترک است به ترتیب، ۳۴۳، ۱۷۰، ۳۱۵، ۲۶۸ و ۴۲۰ رأی کسب کرده است و نسبت به دیگر نامزدها بیشترین رأی را کسب کرده است. این مسأله، دال بر این است که آراء عسکری ریشه در هویت مکانی و مجاورت مکانی و همسایگی داشته است (Ibid). بر مبنای اسناد فرمانداری گچساران، میلاد گرجی‌زاده از مجموع ۷۷۸۹۱ رأی، رأی بسیار ناچیزی (۷۸ رأی) را کسب کرده است. این آراء به‌صورت تکریمی در بین صندوق‌های رأی پراکنش داشت از این‌رو، امکان تحلیل فضایی و مکانی آراء فراهم نبود.

بنابراین، تحلیل فضایی و مکانی پایگاه رأی نامزدهای انتخاباتی در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد که الگوی رأی ساکنان و رأی‌دهندگان در حوزه انتخابیه گچساران و باشت بیش از آنکه تابع سطح کلان و همسو با طیف سیاسی اصولگرا و اصلاح‌طلب باشد، این هویت‌های مکانی و کنش همسان ساکنان فضا و گروه‌های اجتماعی سنتی نظیر ایلات و طوایف است که نقش ناستردنی در خاستگاه رأی ساکنان دارد و به همین مناسب کنش سیاسی افراد و جوامع تابعی از ادراک محیطی و برداشتی است که از منافع خود دارند.

چهارم



نقشه شماره ۵: تمرکز آراء سید قدرت‌الله حسینی در دهستان‌های بخش مرکزی گچساران

(سید قدرت‌الله حسینی منتسب به ایل و طایفه باشت باوی است که عمدتاً در فضاهای

جغرافیایی مرکزی ساکن هستند) (Drawing by the Authors)

جدول شماره ۲: آراء نامزدها به تفکیک بخش‌ها و شهرستان‌ها در یازدهمین دوره انتخابات مجلس

شورای اسلامی

ردیف	اسامی نامزدها	قومیت و طایفه	بخش مرکزی شهرستان گچساران	بخش مرکزی شهرستان باشت	بخش بوستان شهرستان باشت رستم	جمع آراء
۱	غلامرضا تاجگردون	لر و باوی	۲۷۸۶۸	۷۹۵۸	۳۷۱۴	۳۹۵۴۰
۲	سید قدرت‌الله حسینی	لر و باوی	۱۴۱۷۰	۵۵۱۸	۲۰۱۳	۲۱۷۰۰
۳	اردلان زینل‌زاده	لر و بویراحمد گرمسیری	۸۷۳۶	۱۲۹	۱۱۸	۸۹۸۳

۷۵۹۰	۴۴	۱۱	۷۵۳۵	ترک و کشکولی	هومان عسکری	۴
۷۸	۰	۰	۷۸	لر و باوی	میلاد گرجی‌زاده	۵

(Governorship Gachsaran, 2019)

۶ بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش گویای آن است که توزیع فضایی آراء در حوزه انتخابیه گچساران و باشت تحت‌الشعاع عوامل همسایگی و به‌طور مشخص هویت مکانی و گرایش‌های زادگاهی و طایفه‌ای است. گروه‌های اجتماعی قومی و طایفه‌ای برجسته‌ترین بازیگران سنتی در حوزه انتخابیه گچساران و باشت محسوب می‌شوند، به‌نحوی که این گروه‌ها در ایام انتخابات و به‌ویژه انتخابات مجلس شورای اسلامی شروع به نقش‌آفرینی می‌کنند. اقوام و طوایف لر و تُرک، دو گروه قومی و طایفه‌ای ساکن در این حوزه انتخابیه هستند که در این بین ایلات و طوایف باشت باوی، بویراحمد گرمسیری و قشقایی‌ها از کنشگران اصلی در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی به شمار می‌روند. در این دوره از انتخابات در نهایت پنج نفر در کارزار انتخابات شرکت کردند که عبارت‌اند از: غلامرضا تاجگردون، قدرت‌الله حسینی، اردلان زینل‌زاده، هومان عسکری و میلاد گرجی‌زاده. در ابتدای بازی، نام دو تن از بازیگران یعنی غلامرضا تاجگردون و قدرت‌الله حسینی در بین افکار عمومی و توده بیشتر نمایان بود. هر دو بازیگر دارای سابقه نمایندگی و پیشینه سیاسی ناموری داشتند و یکی نامزد منتسب به طیف سیاسی اصلاح‌طلب و دیگری منسوب به طیف سیاسی اصولگرا بود. این دو بازیگر از پشتوانه قومی و ایلی قدرتمندی برخوردار بودند و هر دو وابسته به قوم و ایل بزرگ باشت باوی بودند. باشت باوی پرجمعیت‌ترین سازه فضایی و طایفه‌ای در حوزه انتخابیه گچساران و باشت به شمار می‌رود و همواره نقش‌آفرینی مهمی طی ادوار انتخابات داشته‌اند. از این رو، این فضای جغرافیایی از پایه‌های اصلی و بنیادین رأی این دو بازیگر به شمار می‌رود، به‌گونه‌ای که هر دو بازیگر بیشترین پشتوانه رأی خود را در بین ایلات و اقوام خود کسب کرده‌اند. تیرک سوم انتخابات فردی به نام اردلان زینل‌زاده بود. این بازیگر شهرت نسبتاً متوسطی داشت و شهرت آن‌هم مربوط به دورانی بود که وی به‌عنوان شهردار دوگنبدان و مدیرکل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان توانسته بود خدماتی به حوزه انتخابیه انجام دهد. پایگاه رأی این بازیگر

چهارم

هرچند به واسطه خدماتی که در حیطه شهر و همین‌طور انتساب وی به طیف سیاسی مشخص (اصولگرا) به‌ندرت تحت‌الشعاع قرار گرفت ولی طبق اسناد و آمار، این کارنامه و این پایگاه سیاسی نتوانست وزن اجتماعی قابل‌توجهی را برای وی خلق کند؛ بنابراین مددکار اصلی وی فضای جغرافیایی متعلق به دهستان لیشر بود و دیگر سکونتگاه‌ها و طوایف (بخش مرکزی و بوستان شهرستان باشت) حامی درخشانی برای وی نشد. چهارمین نامزد انتخاباتی هومان عسکری بود. این بازیگر از آنجاکه خون و دودمانی تُرک داشت و تُرک‌تباران نیز فاقد وزن جمعیتی سنگین در شهرستان‌های گچساران و باشت بودند، لذا تنها به آراء خود در این قوم بسنده کرد. یکی دیگر از بازیگران میلاد گرجی‌زاده بود که وزن قابل‌توجهی برای هم‌وردی با رقیبان نداشت؛ بنابراین طبق یافته‌های پژوهش این نتیجه حاصل می‌شود که متغیر همسایگی و گرایش‌های زادگاهی و طایفه‌ی، مهم‌ترین و نیرومندترین عوامل مؤثر بر الگوی رأی نامزدهای انتخابیه حوزه انتخابیه گچساران و باشت به شمار می‌رود.

کتاب‌نامه

- 1- Aminzadeh, B. (2010). Evaluate the beauty and identity of the place. *Journal of City Identity*, 1(7), 3-14. [In Persian].
- 2- Hoseyni, SM. (2015). *Ancient Land, Agricultural Hub*. Sisakht, Farhang Mana Publications. [In Persian].
- 3- ISNA. The Final Table of the Results of the 11th Parliamentary Elections. Available at: <https://www.isna.ir/news/98120302454>. [In Persian].
- 4- Sarmast, B., & Motevasli, MM. (2010). Investigating the role of city scale in the sense of belonging to a place (Case study: Tehran). *Urban Management Quarterly*, 26, 133-146. [In Persian].
- 5- Sadeghi, F., & et al. (2012). Investigating the Relationship between Physical Plan in Residential Complexes and Sense of Attachment to Place among Residents (Case Study; Imam Khomeini and Imam Reza Residential Complexes in Hamedan). *Journal of Urban Management*, 30, 254-264. [In Persian].
- 6- Alam, A. (2011). *Political Science Foundations*. Tehran: Ney Publishing. [In Persian].
- 7- Eyvazi, MR. (2006). *Political participation in the Islamic Republic of Iran*. Tehran, Islamic Revolution Documentation Center Publications. [In Persian].

- 8- Ghafari, H. (2015). *Oil and sun; Photos of Gachsaran and Basht City*. Sisakht, Farhang Mana Publications. [In Persian].
- 9- *Governorship Gachsaran Archive*. (2019). Minutes of the Report on the Results of the 11th Term of the Islamic Consultative Assembly elections in Gachsaran and Basht Constituencies. [In Persian].
- 10- *Governorship Gachsaran Archive*. (2019). Statistical Collection of Gachsaran City TV, Booklet Compiled in Gachsaran Governorate. [In Persian].
- 11- Kaviyani Rad, M. (2007). Geography of Elections. *Strategic Studies Quarterly*, 10(3), 481-505 [In Persian]
- 12- Esmaili, MH., & Movahediyani, E. (2009). Elections in the Islamic Republic and the Role of the National Media in it. *Quarterly Communication Research*, 16(1), 175-192. [In Persian].
- 13- Kaviyani Rad, M., & Gharhbygi, M. (2017). *Geography of elections, foundations, concepts and approaches*. Tehran, Research Institute for Strategic Studies Publications. [In Persian].
- 14- Kaviyani Rad, M. (2013). *Geography of Elections, with Emphasis on Presidential Elections*. Tehran, Kharazmi Publications. [In Persian].
- 15- Kaviyani Rad, M., & Vysi, H. (2008). The Impact of Neighborhood on Iranian Elections, Case Study; the ninth presidential election in Iran. *Geopolitics Quarterly*, 5(3), 1-20 [In Persian].
- 16- *Iran Statistics Center Website*. (1398). Results of the General Population and Housing Census 2016. Available at : <https://www.amar.org.ir>. [In Persian].
- 17- Mirsardou, T., & et al. (2008). Investigating the Socio-Cultural Factors Affecting the Youth Identity Crisis. *Journal of Social Sciences Journal*, 2(1), 77-100. [In Persian].
- 18- Mosavi-Nezhadsogh, SA. (2007). *Encyclopedia of the Genealogy of Al-Rasool, Hazrat Imamzadeh Bibi Hakimeh*. Qom, Vosough Publications. [In Persian].
- 19- Estes, T. (2006). Where the votes are: The electoral geography of the coming democratic majority. *In The Forum*, 3(4). Retrieved from <http://www.beperss.com>.
- 20- Baii-Lashaki, m., & Pishgahi-Fard, Z. (2009). Analysis of Iranian Electoral Behavior (Case Study: Nowshahr and Chalous Constituencies in the 8th Islamic Consultative Assembly Elections). *Journal of Human Geography*, 1(3), 93-114. [In Persian].
- 21- Bashiriyh, H. (2002). *Lessons in Democracy for All*. Tehran, Contemporary Look Publishing. [In Persian].
- 22- Badieli-Azandahi, m., & et al. (2008). The Role of Spatial Sense in Indigenous Identity, A Case Study: Yasouji Students, University of Tehran. *Geopolitics Quarterly*, 4(2), 157-175. [In Persian].

چهارم

- 23- Taban, M., & et al., (2012). A Phenomenological Approach. *City Identity Quarterly*, 6(10), 79-90. [In Persian].
- 24- Javan-Forouzandeh, A., & Motalebi, GH. (2011). The concept of a Sense of Belonging to a Place and its Constituent Factors. *City Identity Magazine*, 5(8), 27-37. [In Persian].
- 25- Hafezniya, MR., & KaviyaniRad, M. (2009). *New Horizons in Political Geography*. Tehran, Samat Publications, first edition. [In Persian].
- 26- Hafezniya, MR., & KaviyaniRad, M. (2014). *Philosophy of Political Geography*. Tehran, Strategic Studies Research Institute Publications, First Edition. [In Persian].